

## جایگاه مدیریت شهری در افزایش حقوق شهروندی

زهره حسینی<sup>۱</sup>، اشکان جمال الدینی<sup>۲</sup>، سید سعید نبی زاده<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.  
<sup>۲</sup>باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران  
<sup>۳</sup>باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران  
hosseinizahra12@gmail.com

### مفهوم شهر

شهر زیستگاهی است انسان ساخت و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، که تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می‌دهد، فضایی ویژه براساس تخصص های حرفه‌ای به وجود می‌آورد، تفکیکی کما بیش مشخص و فزاینده میان بافت های مسکونی و کاری ایجاد می‌کند و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می‌آورد که درون خود خرده فرهنگ های بی شمار را حمل می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۳، ۲۹). ساوج و آلن وارد ۲۰۰۳ سه استراتژی را درباره درک ساختار تفاوت مفاهیم شهری مورد تحلیل داده اند.

رویکرد اول: نگرش معمار گرایانه به شهر یا به عبارت دیگر تأکید بیش از حد به فرم کالبدی که بیشتر بعد فیزیکی را در بر می‌گیرد علاوه بر اینکه نگاهی تک بعدی به شهر محسوب می‌شود، ابعاد دیگر شهر همچون تولیدات اجتماعی را نادیده گرفته و تعریفی ناقص از مفهوم واقعی شهر را بدست می‌دهد، بنابراین نمی‌تواند تعریف جامع و کاملی باشد.

رویکرد دوم: الهام گرفته از نظریات هانری لوفور که در آن فضا، پدیده‌ای با ساختار اجتماعی تلقی می‌شود. در این دیدگاه تأکید می‌شود که فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی مستقل از صورت ساختمانی شهر معنا می‌یابند. یعنی به توصیف انگاره های ذهنی - فرهنگی از مکان ها توجه می‌کند و از مرتبط کردن معنای شهر با تجربه فردی ناتوان است. بر خلاف دیدگاه اول که تأکید افراط گونه بر مفهوم فرم (بعد فیزیکی) داشت، این دیدگاه نگرشی کاملاً متناقض داشته و ساختار اجتماعی را که به تعبیری فرآیند محسوب می‌شود مورد توجه قرار می‌دهد به طوریکه فرم یا شکل کالبدی شهر جایگاهی در این نگرش ندارد، حال آنکه تعریف شهر بدون پرداختن به ویژگی های کالبدی - فیزیکی آن نمی‌تواند تعریفی کامل باشد.

رویکرد سوم: مربوط به نظریات والتر بنیامین در رابطه با جامعه شناسی شهری است؛ او معنای شهر را فصل مشترک بین خاطرات و تجربیات شخصی و ساختار تاریخی ارزش ها و معانی مسلط (اجتماعی) می‌داند. از نظر وی شهر عرصه ظهور عینی و آشکار تضادهای فرهنگی و نقد فرهنگ های مسلط است (ساوج، ۱۳۸۰).

### چکیده

مدیریت شهری به عنوان رکن اصلی مدیریت در شهرها مطرح می‌باشد. و جایگاه آن در مدیریت شهرها نشانگر تعامل و ارتقای سطح حقوق شهروندان می‌باشد. اگر مدیریت شهر بتواند به خوبی نقش خود را در شهرها ایفاء نمایند و شهر را به صورت سیستماتیک مدیریت کنند. شهرها به خوبی حقوق شهروندی را ایفاء خواهند نمود و به تعاملات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... در شهرها کمک شایانی خواهد شد.

در این پژوهش دو موضوع مهم و اساسی را در قانون شهری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهیم. اولین موضوع مدیریت شهری است و موضوع دیگر افزایش حقوق شهروندی می‌باشد. که به صورت اجمالی به آنها پرداخته خواهد شد.

**واژگان کلیدی:** جایگاه، مدیریت شهری، حقوق شهروندی

### مقدمه

روند رو به رشد شهرنشینی در ایران و هم نشینی فرهنگ ها و گروه های مختلف با یکدیگر و تبدیل روابط روستایی به روابط شهری ضرورت باز تعریف تعاملات کنش گران با یکدیگر و با نهادهای شهری را در جامعه شهری متناسب با معیارهای قانونی روزآمد و با ضمانت اجرایی قوی مشخص می‌دارد. در عین حال نقش این مجموعه قوانین در حصول به توسعه پایدار، تبدیل انسان شهرنشین به شهروند، ظهور جامعه مدنی و انسان مدرن، مضمون سازی شهر از مخاطرات، بالا بردن کیفیت محیط شهری از یک سو و از سوی دیگر محدودیت های قوانین موجود در پاسخ گویی به نیازهای شهری، وجود اصل اصطکاک منابع، پیشی گرفتن شهرنشینی بر شهرسازی (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۲).

بنابراین در این تحقیق سعی می‌شود با توجه به قابلیت‌ها و شناخت از مدیریت شهری ابتدا جایگاه از دیدگاه حقوق شهروندی در آن به طور کلی بررسی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، و سپس چارچوب کلی با تأکید بر الگوی افزایش حقوق شهروندی تدوین و ارائه گردد.